

آیتالله و محرومیت‌زدایی
محسن هاشمی



رفع تبعیض از زنان
بیانیه جبهه اصلاحات درباره حوادث ورزشگاه مشهد

پدرخوانده روشنفکران
درباره جلال آل احمد

عاشقانه نه چندان تاریخی
درباره سروال جبران

۱۴

عاشقانه نه چندان تاریخی
درباره سروال جبران



ارث پدری

سازندگی بررسی می‌کند: آیا عزت‌الله ضرغامی وزیر میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری با اهداف و مأموریت‌های این وزارتخانه آگاه است؟ مدیریت او چه بر سر میراث فرهنگی کشور می‌آورد؟



سرعت تکرار حوادث
معمده، دهانت میسران
بکر سنگدغا و نمابنگان
مجلس بر آسبهای وزره



کامیاب مشایخ گوهری
کتابخانه مشایخ گوهری

به آثار تاریخی و مسائلی‌های باستان‌شناسی به‌قدری شتاب گرفته که تاگر بر باید رنگ چشم‌دار جدی نسبت به غیرقابل جبران بودن خسارت اقدامات و مصالحه‌های مدیریتی جناب عزت‌الله ضرغامی وزیر میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری و مدیریت استثنایی آن را به صدا برآورد. سه و زده باید علوم اهالی فرهنگ حوزه مردم فرهنگ‌موسس و فرهنگ‌پرور کشور را نسبت به رویدادی که سال‌هاست در سازمان و سپس وزارت میراث فرهنگی بر عهده انصاف غیرقابل فن به ریاست وزارت آن محفل می‌شود آنگاه کسره، رویدادی که موجب شده تا از زمان ادغام سازمان تخصصی میراث فرهنگی با سازمان ایرانگردی و جهانگردی و سپس سازمان و سپس وزارتخانه میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری تاکنون این سازمان و وزارتخانه حتی یک مدیر تخصصی و آشنا به مأموریت‌ها و مسئولیت‌های این وزارتخانه را بر عهده ریاست و وزارت خود نیند. این مدیران ناشنا یا مأموریت‌های این سازمان بر غالب موارد به‌دلیل یک تصمیم سیاسی نظیر تزیینی به ریاست جمهوری و با انتظار برای بست‌های بالاتر بر این سازمان و وزارتخانه گمراه می‌شوند و دستگاهی که تخصصی‌ترین و علمی‌ترین دستگاه فرهنگی کشور است از این رهگذر دستخوش آسب‌های پرهزینه می‌گردد. از آنجا که غالب هزینه‌های وزره به آثار و اشیای میراث فرهنگی است، به جهت تاریخی و منحصر به فرد بودنشان غیرقابل جبران است این خسارت‌ها نسل‌های آتی را از امکان تجربه و مشاهده بخشی از تاریخ و هویت خود محروم می‌سازد.

ادامه در صفحه ۲



ارث پدری

گرچه بررسی کارنامه وزارت میراث فرهنگی کشور مجال دیگری می‌طلبید اما در همین نوشته کوتاه بد نیست به چند فراز از سخنان و اقدامات وزیر کنونی پرورایم که حاکی از میزان ناآشنایی او با اهداف و مأموریت‌های این وزارتخانه است. عزت‌الله ضرغامی از همان نطق نخست خود در کسوت وزارت در مجلس جهت کسب رای اعتماد ناآشنایی خود با تاریخ و فرهنگ ایران و جهان را به نمایش گزارده آنجا که می‌خواست در نقد سفر رئیس‌جمهور پیشین به ایتالیا افامه فضل کرده از حسن روحانی و همراهانش کلاه‌بند کند که چرا در آن سفر هنگامی که رئیس‌جمهور و تیم همراهانش از موزه رم و مجسمه سردار رومی مارتوس آنتونیوس بازدید کردند، همراهان ایشان عکس به خاک افتادن شاهان رومی بهایی در یوش اول در نقش رستم را به ایتالیا می‌ها نشان نداده‌اند تا نمایش عزت ایرانی باشند. ایشان در این نطق نشان داد که با تاریخ و فرهنگ اروپا و حتی فرهنگ ایرانی و میراث تاریخی آشنایی کاملی ندارد و از همه مهتر برای نطقی این اندازه مهم با اطلاعات ذهنی خود که مارتوس لورلیوس را با مارتوس آنتونیوس اشتباه می‌گیرد و شاپور اول را در یوش اول می‌خواند به دفاع از برنامه خود برای این وزارتخانه مهم رفته است. هنوز این اشتباه جناب وزیر فراموش نشده بود که در بازدید از پاسارگاد اظهار نظر مخاطره‌آمیز دیگری از او در مطبوعات منعکس شد که گفته بود: «امروز مردم پاسارگاد به دلیل مغیره کوروش نمی‌توانند کنساورزی کنند. چاه برزند. باید این مشکلات برطرف شود و قوانین حرم‌ها مقداری انقباض پیدا کند.» نکته‌ای که نشان می‌داد این وزیر نه تنها از دلایل و ضوابط تعیین حرم مطلع نیست و فکر می‌کند که آن را می‌توان قبض و بسط داد بلکه اصولاً از دلیل اهمیت پاسارگاد و بکه بودن آن در تاریخ جهان کم‌آگاه. اهمیتی که به‌واسطه آن دولت موظف است مطالبات و تقاضاهای کنساورزان و مردم منطقه را به‌صورتی دیگر برای تأمین حفاظت کامل و موثر از این اثر تمدنی ایران‌زمین تأمین کند. انتصابات او هم در این مدت بر شدت نگرانی افروزه به‌ویژه که بر مهم‌ترین معاونت این وزارتخانه که معاونت میراث فرهنگی است بار غار خود از صداسیما را نشانده. علی‌داری بدون کمترین سابقه و آشنایی با حوزه تخصصی میراث که عرصه کار و فعالیت و پژوهش صدحاً باستان‌شناس، مرمت‌گر، موزه‌دار و متخصصان آثار و اشیای تاریخی است این مسئولیت را پذیرفت تا فقه پرغصه انتصاب مدیران غیرمرتبط بر پست‌های تخصصی در این چند دهه ادامه یابد. در همین رابطه انتصاب پرحاشیه دیگری از سوی ضرغامی اهل فن را شگفت‌زده کرد. او ریاست موزه فرش و مدیریت یکی از مهم‌ترین گنجینه‌های ملی ایران را به مشاور تبلیغات و فضای مجازی خود یعنی سجاد نوروزیان واگذار کرد. نوروزیان که تخصصش امور کودک است بر جای پرسیا بیضایی، یکی از موزه‌داران باسابقه کشور نشست تا در سال‌های باقی‌مانده از این دولت با ادامه همان روند تبلیغات این بار لایند از کرسی مدیریت موزه و از کسبه ملت ملزمن ریاست جمهوری چهاردهم برای ضرغامی را آسان‌تر سازد. این مدیر ناآشنا با میراث فرهنگی همانند وزیر میراث در همان بدو انتصاب مسه گلی به آب داد که تا هنوز به‌رغم پی‌گیری‌های لشکر عمومی و تاکید جامعه حرفه‌ای و حتی شکایت به مراجع قانونی سه وزارت میراث و نه موزه فرش نسبت به رفع آن اقدامی نکرده‌اند. تبدیل کسرمین حوض‌های موزه فرش به باغچه گل در لژی ثبت‌شده در فهرست آثار ملی کشور. تجاوزی عینی به عرصه یک اثر ثبت ملی است که مطابق قانون مجازات اسلامی جرم محسوب شده پیگرد قانونی دارد. اما وزارت میراث فرهنگی که

برای کوچکترین خطای مالکین خصوصی آثار تاریخی و متجاوزان به حرمس آنها مطابق همین قوانین موظف به پیگردهای جدی است در مورد خطای یکی از مدیران خود تاکنون کوچکترین اقدامی نکرده است. البته معلوم هم شد که چرا مستگاه‌های ناظر مانند بازرسی کشور به چنین انتصابات غیرمرتبط در معاونت میراث این وزارتخانه، نظیر معاونت میراث، مدیر موزه فرش و بسیاری دیگر از مدیران ستادی ورود نکرده و نمی‌کنند. معاشرت‌های مکرر وزیر با اهالی سینما که ظاهراً مآثرک مسئولیت پیشین ایشان در وزارت فرهنگ و ارشاد و البته صداسیماست هم برای میراث فرهنگی کشور تاکنون خسارت‌بار بوده است. دو هفته پس از دیدار ترگس آبیاز و حسر تهیه‌کننده‌اش با وزیر میراث فرهنگی که ظاهراً با موضوع پیگیری تخریب شهر شاهدیه و روستای پدری این کارگردان در استان یزد ترتیب داده شده بود گزارش و عکس‌هایی از احداث دکور سریال سوشون به کارگردانی ترگس آبیاز و تهیه‌کنندگی محمدحسین قاسمی در باغ عقیدآباد شیراز منتشر شد که نشان می‌دادن جلسه بیشتر به جهت گرفتن مجوز ساخت این سریال در عرصه یک بنای تاریخی صورت گرفته تا پیگیری حفاظت از آثار فرهنگی روستای ایردلیاد در استان یزد. نحوه احداث دکور سریال، الحاقات اضافه شده به بنا و مداخلات متعددی که در عکس‌های منتشره از بنا مشهود بود به‌عربی نشان می‌داد که این وزیر که پیشتر کاندیدهای ریاست جمهوری شده بود، رمای وزارت را به قامت خود اندازه نمی‌بیند و آرزوهای بزرگتری در سر می‌پروراند و احياناً به ظرفیت سینماگران در آن رقابت‌های نفس‌گیر ریاست جمهوری نیز گوشه چشمی دارد و احياناً نگران نیست که عرصه و حرم یک اثر مهم دیگر ثبت شده در فهرست میراث ملی از بین برود. گمدهای دوستانه عزت‌الله ضرغامی پیش از وزارت در قالب جلسات صحبانه در مکانی که بعدها مشخص شد ساعتی قبلی و متعلق به دوره پهلوی اول با دو حیاط مجراست برگزار می‌شد که از واگذاری‌های یزد بنیاد مستضعفان و جانبازان به این مدیر ارزنی محسوب می‌شود. این واگذاری در سال ۱۳۷۲ مسوره اعتراض جنین دانشجویی قرار گرفت. آنها از محمد سجیدی کیا رئیس وقت این بنیاد پرسیده بودند با عنایت به رسالت مقدس بنیاد مستضعفان اقلاب اسلامی مبنی بر «صرف اموال منقول و غیرمنقول مصادره‌ای از رژیم سابق به نفع مستندان، کارگران و کارمندان ضعیف» ضرغامی و رئیس دولت نهم و دهم شامل کدام یک از سه دسته فوق بوده و بر اساس کدام منطق از این امتیاز بهره می‌برند؟

اما پس از وزارت، هم مکان این جلسات و هم هویت و موقعیت نطقی مدفونین آن تغییر کرد. در جلسات جدید صحبانه با جای وزیر که در دفتری مجلل در ساختمان اصلی میراث فرهنگی کشور صورت می‌پذیرد، دیگر آن تنوع چهره‌های پیشین دیده نمی‌شود و اکنون بیشتر وقت وزیر در این جلسات با نمایندگان مجلس می‌گذرد که شاید برای ایشان یادآور موقعیت پیشین خود به عنوان معاون پارلمانی وزارت ارشاد بوده اما روشن است که هدف تأمین مشورت‌های امروز مقام وزارت است. منبع دیگر تهدید آثار و بناهای تاریخی کشور همین جلسات وزیر با نمایندگان است که اخیراً اقدام خسارت‌بار دیگری را در سیستان رقم زده است. کوه خواجه سیستان تنها ناهمواری دشت سیستان محسوب می‌شود که در مواقع پرآبی هامون، همانند مونت سنت میشل در فرانسه به شکل جزیره‌ای در آب با چند قلعه و کهن‌دژ اشکانی باشکوه خودنمایی می‌کند و از کاندیداهای جدی برای ثبت جهانی در فهرست میراث جهانی یونسکو از استان

سیستان و بلوچستان است. این مجموعه اخیراً به‌دلیل اسرار دو نماینده سیستان برای احداث جاده دسترسی به روی کوه خواجه که صفه‌ای تحت و مرتفع است در خطر افتاده است. بهانه تسهیل دسترسی عموم مردم به زیارتگاهی در گوشه‌ای از فرستان باستانی روی این کوه است. آقایان ظاهراً دیواری کوتاه‌تر از دیوار میراث فرهنگی نیافته‌اند. اقدامات غیراصولی و خلق‌الساعه که همواره با ادعاهایی نظیر رونق گردشگری و تسهیل دسترسی مردم سیستان به آثار تاریخی مذهبی انجام می‌شود اکنون توسط اهل فن سیستان و کشور به‌شدت مورد اعتراض است. چند ماه پیشتر هم به بهانه تسهیل در احداث خط دوم جاده زاهدان-زابل اداره راه و شهرسازی شمال استان سیستان و بلوچستان یک تپه ثبت شده در فهرست آثار ملی که شامل محوطه‌های تاریخی متعلق به چند دوره تاریخی می‌شد را با ماشین‌های راه‌سازی به طور کامل تخریب کرد و به‌رغم پیگیری باستان‌شناسان سیستانی حتی اجازه انجام عملیات نجات آثار این محوطه‌ها را به آنها نداد. در قضیه اخیر احداث جاده دسترسی به بالای کوه خواجه هم یکی دیگر از دستگاه‌های دولتی با فشار همین نمایندگان مشارکت دارد.

این بار اداره حمل و نقل و پابانه‌های استان سیستان و بلوچستان وعده داده است که این جاده دسترسی را بزودی برای تأمین دسترسی خودرویی مردم به بالای این کوه مقدس و پرآوازه در تاریخ باستان ایران آسفالت یا سنگفرش خواهد کرد. ظاهراً این نمایندگان قول احداث این دسترسی عمومی را در همان گمدهای مشهور جناب وزیر گرفته‌اند. وزارت میراث فرهنگی و اداره اسانی آن نیز برای حفظ حمایت نمایندگان مجلس در این ماجرا سکوت اختیار کرده است. از این رو لازم است تا افکار عمومی کشور به‌ویژه اهل فن نسبت به این مخاطره آگاه شده پیگیری کند تا یکی دیگر از آثار هویت‌ساز تمدن ایرانی در بدنه‌های معمول این وزرا بسا نمایندگان از دست نرود.

اساساً کرسی ریاست وزارت میراث فرهنگی در این سال‌های پس از ادغام به جز یکی دو مورد کرسی بازنندگان و منتظران عرصه سیاست بوده، برخی بازنندگان رقابت برای پست‌های بالاتر به ناچار به میراث فرهنگی بسنده کردند و برخی که فسول وزارتخانه دیگری را گرفته بودند برای مدتی بر سکوی وزارت میراث فرهنگی به انتظار نشستند. البته غلبرائی هم بودند که بر حسب اتفاق بر این سکو نطقی داشتند و بعد از چندماه در هسان گننامی که از آن آمده بودند ناپدید گشتند اما عزت‌الله ضرغامی همزمان هم بازنده است و هم منتظر. او بازنده رقابت بر سر وزارت فرهنگ و ارشاد دولت سیزدهم است و چنان که از اظهار نظرهایش در مورد سریال هامون و تینا پاکروان و نشستش با ترگس آبیاز معلوم است، هنوز دلش برای آن کرسی می‌تپد.

آنچه که در لیسن مدنت وزارت از عزت‌الله ضرغامی دیده و شنیده شده این نکته را به ذهن اهل فن متبادر می‌کند که ظاهراً ایشان میراث فرهنگی کشور را عرصه تخریب شعار انتعابانی خود گرفته که می‌گفت باید زیر میز زد. آیا او با زدن زیر میز این وزارتخانه می‌خواهد قدرت خود را بسنجد باید به ایشان مشفقانه پامآوری کرد که بر این میزی که شما زیر آن می‌زید عاشقان و متخصصان میراث فرهنگی ایران هزاران غنیه و شس تاریخی-فرهنگی را به امانت گذارده‌اند تا به رویت نسل حاضر و نسل‌های آتی برسد. ضربه‌های شسا به این میز جینی نازک فرهنگ و تاریخ ایران را می‌شکند. صبر کنید انتعابانی شاید حتی زودتر از چهار سال آینده فرا برسد. زمان برای زیر میز زدن بسیار است.